

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال چهارم. شماره چهاردهم. زمستان ۱۳۹۱

صفحات: ۹-۱۷

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۷/۱۷- تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۳

نقش پیکرک های زنان در دنیای باستان (با تکیه بر مکشوفات باستان شناسی)

سید رسول موسوی حاجی*

سامان فرزین**

مریم زور***

چکیده

پیش از ابداع خط، بشر با ساختن پیکرک هایی از گل، سنگ و غیره، اندیشه های خود را نمودار می ساخت. اقوام پراکنده فلات ایران از هزاره های قبل از میلاد همواره پایبند تقلید صرف از طبیعت نبودند بلکه اغلب میل داشتند حاصل خاطره خیال خود را با نوک تیشه یا سر انگشت های هنرمندانه خود از سفال و سنگ برآورند و هر یک از پیکرک ها را مطابق آرزوها و اندیشه ها و باورهای آئینی خود جلوه گر سازند. پیکرواره های کوچک حیوانات و انسان احتمالا جنبه پیشکش و نذری داشته است. پیکره های زنان نماد زایش (الهه مادر) و جنبه های مذهبی و آئینی داشته اند. تحلیل های روانشناسانه از این آثار هنری نشان دهنده این است که هنرمند فقط به دلیل ایجاد یک شیء هنری این آثار را خلق نمی کند، بلکه در پشت سر این هنر یک اندیشه است. از اولین آثار هنری که بشر ساخته همان پیکرک های انسانی بوده است که بیشتر به شکل زن بودند. زن برای مردمان آن دوران، انسانی پیچیده بوده و این پیچیدگی در پیکرک های ساخته شده نیز دیده می شود. از نظر هنرشناسان و باستان شناسان، در جهان بینی انسان شناسی باستانی، زن نماد اسطوره بوده است. خدا بانوها اولین نمونه نمایش خصایص زن بوده اند. خدایانوها نه تنها مادر انسان ها بلکه مادر تمام موجودات زنده اند، جانورانی که با هر پیکرک کشیده شده اند نشان دهنده این امر هستند.

کلید واژگان: پیکرک، زن، الهه، آیین، باستان

* دانشگاه مازندران، دانشیار و عضو هیئت علمی گروه باستان شناسی، مازندران، بابلسر، ایران.

** دانشگاه مازندران، دانشجوی دکتری تخصصی باستان شناسی، مازندران، ایران. (نویسنده مسئول، saman_farzin2006@yahoo.com)

*** دانشگاه تربیت مدرس، دانشجوی دکتری تخصصی باستان شناسی، تهران، ایران.

در دنیای اسطوره ایران باستان، زن موجودی مقدس است و در آن اکثر خدایان مونث ترسیم شده اند، مونث بودن خدایان به دلیل پاکی و کاربری و زایش و غیره بوده است. زیرا که همه این صفات را در وجود زنان می دانند. زنان که کاشف و مبدع نظام کشاورزی بودند، اندک اندک توانستند حیوانات را رام کنند و از آنها علاوه بر استفاده های غذایی به عنوان نیروی کار بهره برداری کنند و این امر تحولی عظیم در زندگی بشر به وجود آورد و در اجتماعات ابتدایی قسمت اعظم ترقیات اقتصادی به دست زنان اتفاق افتاده است. در آن هنگام که قرن های متوالی مردان دائماً به طرق کهن خود به شکار اشتغال داشتند زن در اطراف خیمه زراعت را ترقی می داد و هزاران هنر خانگی ایجاد می کرده است (دورانت^۱، ترجمه آرام، ۱۳۵۴: ۵۱). زنان نگهداران آتش و شاید اختراع کننده و سازنده ظروف سفالین بوده و چوب دستی به دست گرفته در کوه ها به جستجوی ریشه های خوردنی نباتات یا جمع آوری میوه های وحشی می پرداختند، در نتیجه عدم تعادل بین زن و مرد ایجاد شد و شاید همین امر اساس تشکیل بعضی جوامع اولیه بود که زن در آنها بر مرد تفوق یافته است. در چنین جوامعی زن کارهای قبیله را اداره می کند و به مقام روحانیت می رسد و در عین حال زنجیره اتصال خانواده به وسیله سلسله زنان صورت می گیرد (گیرشمن^۲، ترجمه معین، ۱۳۴۹: ۱۰). با گذشت زمان مادر خانواده دارای نقش عمده ای می شود و چون خدمت به اعضای خانواده و تربیت خانواده و تربیت کودکان را بر عهده داشت گوئی نظم خانواده و موجودیت آن بر ابتکار و قدرت مادر اسقرار می یابد و پدر در منزله ای نازل تر، قرار می گیرد (دورانت، ترجمه آرام، ۱۳۵۴: ۵۱) و بدین گونه با برتری هایی که زن در مسائل اقتصادی، خانوادگی، پرورشی، اجتماعی و سیاسی می یابد دوره ای در زندگی بشر آغاز می شود که به نام عصر زن سالاری (مادر شاهی) مشهور است (چایلد^۳، ترجمه بهمنش، ۱۳۴۶: ۵۹).

سوالات پژوهش

هدف از ساختن پیکرک به شکل مونث چه بوده است؟
از چه دوره ای سنت ساخت پیکرک زن آغاز شد؟
نقش پیکرک ها در ساختار مذهبی جوامع در تاریخ چه بوده است؟
آیا ساختن چنین پیکرک هایی نشان از قدرت بالای زنان در روزگار باستان داشته است؟

فرضیات پژوهش

احتمال می رود پیکرک ها نشان از تقدس و سمبل باروری و زایش و آبادانی بوده اند.

¹. Durant

². Ghirshman

³. Chaild

از دوران پیش از تاریخ و بطور خاص از دوره نوسنگی شواهدی از کشف پیکرک وجود دارد. پیکرک ها تقدیم به معابد می شدند و جنبه آیینی و سمبلیک دارند. بدون شک نفوذ زنان در سیستم اقتصادی و سیاسی باعث خلق چنین آثار هنری شده و نشان از قدرت بالای زنان در سطوح حکومتی، اقتصادی و سلطنتی بوده است.

پیکرک های مؤنث

هنر پیکره سازی که در فرهنگ های عصر نوسنگی دنیای باستان عمومیت داشته است، در آسیای صغیر نخست در محوطه باستانی چای اونو^۴ (هزاره هشتم)، محوطه حاجیلر^۵ (نوسنگی جدید)، در ایران در محوطه های حاجی فیروز (۵۵۰۰ ق.م)، تپه سراب به همراه پیکرک ونوس معروف آن، و در بین النهرین از محوطه های حسونا^۶ و حلف^۷ پیکرک های مؤنث و الهگانی بدست آمده است (ملارت^۸، ۱۹۷۵: ۱۰۱). تظاهر همزمانی پیکرک های الهگان در جوامع نوسنگی مختلف، فرهنگ و نژاد متفاوتی داشته اند و با امکانات محدود زندگی که ارتباط، تأثیر پذیری و تبادل فرهنگی بین آنان غیر ممکن بوده است (مگر در استقرار های همجوار) نشان می دهد آنان در یک مورد از باور های مذهبی مشترک بوده اند و آن ارج نهادن به جایگاه زنان بوده است (فیروزمندی، ۱۳۸۲: ۸۱).

پیکرک زن در محوطه های پیش از تاریخ ایران

برای آگاهی از نقش و جایگاه زن در دوران پیش از تاریخ به ویژه در ایران، نه دست نبشته ای باقی است و نه نقش برجسته ای که بتواند به خوبی مقام زن در گذشته را بیان دارد. اما پیکرک های فراوانی به دست آمده است که می توان از آنها استفاده نمود. متأسفانه از دوران پارینه سنگی در ایران هیچ پیکرکی بدست نیامده است (فرشی، ۱۳۸۴: ۴۱). اما از دوران نوسنگی به وفور پیکرک ها، به ویژه پیکرک های مؤنث و به صورت محدود پیکرک مردان وجود دارد و از نقاط مهمی که در ایران پیکرک بدست آمده می توان به این محوطه ها اشاره نمود: تپه سراب با ۶۵۰ پیکرک که تنها ۱۸ پیکرک آن مرد است (برومن^۹، ۱۹۹۰: ۳)، تپه چغا سفید که پیکرک های آن به صورت ساقه ای و T شکل است که از این محوطه اشکالی از سینه و کفل زنان نیز بدست آمده است (هول^{۱۰}، ۱۹۷۷: ۲۲۹)، تپه چغامیش با

⁴. Chayono

⁵. Hajilar

⁶. Hsuna

⁷. Halaf

⁸. Mellart

⁹. Broman

¹⁰. Hole

پیکرک هایی به صورت T شکل و مکعبی (دلووگاز^{۱۱}، ۱۹۶۶:۲۳۶)، تپه چخماق که از این محوطه یک پیکره زن و چندین پیکره T شکل یافت شده است که محققین عقیده دارند، از آنجا که پیکرک های T شکل این تپه با پیکرک های T شکل مؤنث تپه ملیان قرابت دارد به احتمال زیاد آنها مؤنث هستند (ماسودا^{۱۲}، ۱۹۷۲:۲۴)، تپه زاغه با ۵۰ عدد پیکره که ۴۷ پیکره آن مؤنث و ۳ پیکرک آن نامشخص است (فرشی، ۱۳۸۴: ۸۵). از دیگر تپه ها می توان به محوطه شهرسوخته در جنوب شرقی ایران، یان تپه (مجیدزاده، ۱۳۷۸: ۴۶)، تپه چغا سفید (هول، ۱۹۷۷)، تل باکون (لانگسدورف^{۱۳}، ۱۹۳۲: ۱۱۲) تپه چغامیش و شوش نام برد (فرشی، ۱۳۸۴: ۸۵). گرچه تعداد محوطه های دارای پیکرک بسیار است اما در این پژوهش سعی گردید به برجسته ترین محوطه ها اشاره گردد. حال همان طور که بیان شد از محوطه های پیش از تاریخی ایران همچون بین النهرین، آسیای صغیر و دیگر مناطق جهان پیکرک های مؤنث فراوانی یافت شده است اما دلیل عمده آن چیست؟ در این جا می توان اظهار نمود، انسان این عهد که علل بروز پدیده های طبیعی را نمی دانست تلاش می کرد تا به مدد باورها و آداب آئینی از مواهب زندگی برخوردار شود و از مضرات آن دوری جوید، به همین منوال دست به کار آفرینش تصاویر و اشیای آئینی می زد که به زعم خود با نیروهای کنترل کننده عالم هستی در ارتباط بود (فرشی، ۱۳۸۴: ۸۵). الیاده^{۱۴} معتقد است که یکی از این اشیای پیکرک است که با پدیده های مختلفی چون تولید مثل، باروری، تولد، شیردهی، رشد، مرگ، فراوانی، حاصلخیزی و غیره در ارتباط است (الیاده، ۱۹۸۶: ۵۴). پس می توان نتیجه گرفت که به دلیل آنکه بیشتر این خصایص در زن مشهود است انسان دوران نوسنگی، جنس مؤنث را راجع گذاشته و در غالب الهه آن را می پرستیده است.

دوران تاریخی (ایران)

در دوران تاریخی خوشبختانه به دلیل کثرت نقوش برجسته ها، گل نوشته ها و غیره، اطلاعات تقریباً کاملی از اهمیت و جایگاه و حتی عملکرد زن در دوران تاریخی وجود دارد، اما از آنجا که دوران تاریخی در ایران دوره ای چند هزار ساله است و پرداختن به هر دوره همچون کتابی جای سخن دارد در این قسمت نقش و عملکرد زنان را در جامعه دوران تاریخی را بیان کرده و با نمونه ای از هر یک از دوران های تاریخی به آن می پردازیم.

زن در مذهب

زنان در گذشته جایگاه والایی در مذهب دارا بودند و این امر از دوران پیش از تاریخ مشهود است. در دوران تاریخی نیز وضع بدین منوال بود به گونه ای که در دوره تاریخی ایلام به معاهده ای بر

¹¹. Delougaz

¹². Masuda

¹³. Langsdorff

¹⁴. Eliade

می خوریم که متعلق به پادشاه ایلامی در حدود (۲۲۴۰ - ۲۲۷۰ ق.م) است. این معاهده بین (نارامسین)^{۱۵} پادشاه بین النهرین و (هیتا)^{۱۶} پادشاه ایلامی بسته شده بود که در این معاهده به اولین خدایی که قسم می خورد الهه مؤنث (پی نیکیر)^{۱۷} است (صراف، ۱۳۸۴: ۷) این معاهده با این ذکر آغاز می گردد: « بشنو ای الهه (پی نیکیر) و شما خدایان خوب آسمان ها» (هینتس)^{۱۸}، ترجمه فیروزنیا، ۱۳۷۱: ۸۸) (تصویر شماره ۱).

زن در سازمان روحانیت

با توجه به شواهد موجود، به چگونگی حضور زنان در نظام روحانیت آن زمان پی برد و مشخص شود آنان در چه جایگاهی قرار داشته اند. همان طور که میدانیم در همه دوره ها یک حوزه وابسته به معبد وجود داشته است (مجید زاده، ۱۳۷۰: ۵۵) و از آنجا که ایلامی ها قومی بودند که خدایان متعددی داشتند تشکیلات وسیعی متشکل از کاهنان و راهبه ها در جهت اجرای روند امور مذهب و آشنایی مردم ایلام به مذهبشان وجود داشته و در رأس این حوزه، کاهن اعظم قرار داشته است که در نوشته های ایلامی عنوان او را (پاشی - شورابو)^{۱۹} می خواندند. وی کلیه امور مذهبی را در سراسر کشور ایلام زیر نظر داشت. اما در این میان علاوه بر کاهن اعظم و کاهنان دیگر تعدادی راهبه در تشکیلات مذهبی ایلام مشغول به خدمت بودند (صراف، ۱۳۸۴: ۴). این راهبه ها مثل همکاران مردشان به اداره امور می پرداختند (هینس، ترجمه فیروزنیا، ۱۳۷۱: ۷۳) و به آنها (مرتات بیتی)^{۲۰} می گفتند، و در امور اقتصادی و مذهبی دارای نقش عمده ای بوده اند. به لحاظ فعالیت مذهبی آنان نیز می توان به کتیبه ای اشاره داشت که در محوطه (هفت تپه) کشف شده و مربوط به پادشاهی (تپتی آهار)^{۲۱} (۱۳۵۰ - ۱۵۰۰ ق.م) است. وی راجع به وظایف راهبه ها چنین می گوید: «وقتی شب در آید چهار راهبه باید وارد معبد شوند، برای آنکه هیچ چیز گران بهایی را از مجسمه ها پنهان نکنند روپوش ایشان باید با تسمه محکم بسته شده باشد. ایشان باید زیر پای مجسمه (لاماسو = گاو بالدار) دراز بکشند. فرماندار، رئیس محافظان، کاهن اعظم، نگهبان معبد و کاهن معبد باید {درهای معبد} را به روی آنها مهر کنند {راهبه های نگهبان} باید چراغ ها را روشن و وقتی صبح در می رسید از لاماسو در خواست حمایت از شاه بکنند. مهر ها را بشکنند و به راه خود بروند». (هینس، ترجمه فیروزنیا، ۱۳۷۱: ۷۵). راهبه ها علاوه

¹⁵. Naramsin

¹⁶. Hita

¹⁷. Pinikier

¹⁸. Hinz

¹⁹. Pashishurabu

²⁰. Mortat-Biti

²¹. Tepti-Ahar

بر حفاظت شبانه از معابد ایلامی، خود نیز در اجرای مراسم مذهبی مستقیماً شرکت می کردند به طوری که آنها نیایشگران را که قصد انجام امور مذهبی داشتند را به معبد و به پیشگاه خدایان ایلامی هدایت می کردند. علاوه بر این راهبه های ایلامی به دریافت نذورات نیز می پرداختند (صراف، ۱۳۸۴: ۴).

زنان و جشن ها

در این مورد می توان به دوران تاریخ ایلام و هخامنشی اشاره کرد، به گونه ای که در ایلام به نظر می رسد که مهمترین آنها فستیوال یا جشن « الهه نگهبان پایتخت » بوده است. واضح است که زمان های قدیم در شوش آکروپولیس وجود داشت که دارای حریم مقدس مشتمل بر معابد خدایان مختلف بود، که معبد (اینشوشیناک)^{۲۲} معبد برجسته آن بوده است و « الهه نگهبان پایتخت » احتمالاً (پی نیکیر) اطلاق می شده است و شاید بعد ها برای الهه (کیریریشا)^{۲۳} برگزار می شد (هینس، ترجمه فیروز فیروزنیا، ۱۳۷۱: ۶۸). این فستیوال در ماه نو در آغاز پاییز برپا می شده و گوسفندان را در باغ مقدس الهه، در مراسمی به نام (گوشوم)^{۲۴} ذبح می کردند (مجید زاده، ۱۳۷۰: ۵۵). اما در دوران هخامنشی نیز با توجه به منابع یونانی به مشارکت زنان در جشن ها نه فقط زنان سلطنتی و همسران موقت شاه، بلکه زنان اشراف و بزرگان و سرداران سپاه در این جشن ها حضور داشتند که نشان می دهد که زنان از اهمیت بالایی برخوردار بودند که در جشن ها به ویژه جشن تولد شاه حضور پررنگی داشته اند (بروسیوس)^{۲۵}، ترجمه طلوعی، ۱۳۸۹: ۱۰۰).

زنان و سلطنت

در ذهن بسیاری از افراد این تصور وجود دارد که زنان در طول تاریخ نه تنها به سلطنت نرسیدند بلکه همیشه در حاشیه امور حکومتی قرار داشته اند، اما با مدارک موجود می توان نه تنها این نگاه را عوض کرد بلکه آن را به اثبات رساند. به طور مثال پادشاه ایلامی، (شیروکیدو)^{۲۶} اول صاحب فرزندی ذکور نبود چرا که وی پس از جلوس بر تخت شاهی تا مدتی بدون وجود شاهزاده شوش حکومت کرد. اما پس از مدتی به طرز بی سابقه ای مادر خویش را به این مقام برگزید و این برای نخستین بار در تاریخ ایلام بود که زنی به مقام رسمی حکومت رسید. (مجید زاده، ۱۳۷۰: ۱۵) و یا در متنی دیگر می خوانیم شاه (اشنوننا)^{۲۷} که در آن زمان یک متحد قدیم ایلام بود به ملکه (ناورا)^{۲۸} در کوه های گوئیوم کردستان ایران پیوست و این ملکه ده هزار مرد در اختیار متحدانش قرار داد. به هر

22. Inshooshinak

23. Keririsha

24. Goushum

25. Brosius

26. Shirukido

27. Eshnouna

28. Navera

حال زنان در سیاست و حکومت دارای نقش عمده ای بوده اند و این امر فقط مختص ایلام باستان نبوده است (هینس، ترجمه فیروزنیا، ۱۳۷۱: ۱۱۲). به طور مثال در دوره ساسانیان دو تن از دختران خسرو پرویز، به نام های پورآندخت و آرمیدخت نیز به مقام سلطنت رسیدند (بروسیوس، ترجمه طلوعی، ۱۳۸۹: ۱۷). پس زنان نه تنها در حاشیه حکومت نبوده بلکه در رأس حکومت و دارای قدرت و نفوذ ویژه ای در سازمان سیاسی بوده اند.

زنان و قدرت اقتصادی

زنان نیز همچون مردان دارای مالکیت خصوصی بوده و حتی به معامله و اداره آنها می پرداختند. یکی از نمونه های کاملاً مشهود را در دوران هخامنشی مشاهده می کنیم. در الواح هخامنشی آمده است (ارتیستونه^{۲۹}) دختر کوروش بزرگ دارای املاک فراوانی بوده و دائماً برای سرکشی به املاک و یا دیدن شاه بین شوش و تخت جمشید در سفر بوده است و یا ملکه (رته بامه^{۳۰}) که املاک و کاخ های فراوانی در ایلام داشته و دارای حساب رس های فراوانی بوده است و حتی طبق اسناد، خود شخصاً به حساب ها رسیدگی می نمود که این موضوع نشان دهنده قدرت اقتصادی، مالیاتی و حتی حساب رسی زنان در دوران باستان بوده است (کخ^{۳۱}، ترجمه رجی، ۱۳۸۵: ۲۷۲).

زنان و اجتماع

زن از آغاز خلقت موجودی اجتماعی بوده چرا که برای حفظ و امنیت خود و خانواده و سازماندهی به اوضاع موجود نیاز به روابط مسالمت آمیز و اجتماعی با محیط خود داشته است و در اجتماع محیط خود پا به پای مردان به فعالیت می پرداخته است که این امر در مهر های ایلامی و الواح هخامنشی به خوبی آشکار است. در این میان آثار مهر های ایلامی هزاره سوم ق.م اطلاعات مفیدی از شیوه های گوناگون زیست، مردم شوش و فعالیت های آنها به دست می دهد. مردها با کج بیل های سه شاخ در مزارع به کار مشغول اند و زنان با دامن های بلند از درختان میوه می چینند (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۶۶) و همچنین در کارگاه های سفال سازی، که ظروف سنگی در حال تولید است و در حالی که یک نفر دسته کوزه ها را صیقل می دهد، صنعتگران دیگر بشقاب ها را با سایش بر هم صافتر می کنند، زنان را هم در کارگاه ها می توان یافت که بر نشیمن گاه های چوبین کوتاه یا بر سطح زمین نشسته اند و اغلب مشغول تهیه پشم و پارچه اند. زنان در زراعت نیز یاری می رسانند. همچنین آنان را پوشیده در ردای بلند در حال کار در نخلستان ها نیز مشاهده مینماییم. (هینس، ترجمه فیروزنیا، ۱۳۷۱: ۳۰). ریسندگی یکی دیگر از مشاغل مهم زنان بوده و به آن می پرداختند. در مهرها و نقوش برجسته به وضوح قابل مشاهده است. بهترین نمونه این نوع فعالیت

²⁹. Artistune

³⁰. Reteh-Bameh

³¹. kozh

زنان را می توان در نقش برجسته ای از سنگ سیاه که قدمت آن به دوره ایلام نو میرسد مشاهده نمود (طاهری، ۱۳۷۳: ۱۵۹). این اثر مذکور از شوش بدست آمده و اکنون در موزه لوور پاریس نگهداری می شود. این اثر به ابعاد ۱۳*۱ متر است (پرادا^{۳۲}، ترجمه مجیدزاده، ۱۳۵۷: ۸۴) (تصویر شماره ۲) و یا در دوران هخامنشی با توجه با الواح بدست آمده مشاهده می شود که زنان در تخت جمشید به فعالیت های مختلفی چون بافندگی، خیاطی و غیره می پرداختند و حتی در بعضی از حرفه ها تعداد مردان کمتر از زنان است و زنان رئیس قسمت مذکور بوده و حقوق های بالایی دریافت می کردند (کخ، ترجمه رجبی، ۱۳۸۵: ۲۳۶)

بحث و نتیجه گیری

پیکرک ها و اندام های جنسی مؤنث جز نخستین تراوشات ذهنی بشرند. ساخت این پیکرک ها بی تردید از اهمیت موجود مؤنث در جامعه سرچشمه گرفته است. این اهمیت موجب می شود که تصویر زن از ناخودآگاه ضمیر انسان خارج شده، در خود آگاه او بروز کند و به تصویر درآید. این تصویر در دوره نوسنگی به صورت پیکرک های مؤنث در آمد این پیکرک ها به عنوان الهه ها پرستش می شدند که اهمیت زن و ارزش والای آن از دوران نوسنگی را نشان می دهد این روند پرستش عنصر زن و ارج نهادن به آن فقط متعلق به دوران پیش از تاریخ نبود بلکه در دوران تاریخی پیش از پیش مشهود است و خوشبختانه با توجه به آثاری که از دوران تاریخی بدست آمده است از چگونگی حضور زنان در اجتماع آن روزگار آگاه می شویم و می بینیم زن به عنوان موجودی مقدس در رأس مذهب و باورهای قلبی مردم قرار داشته است. اگر به موقعیت زنان، در آن روزگار نگاهی شود، مشاهده میشود که آنان هم پای مردان به کشاورزی، سفالگری، ریسندگی و سایر فعالیت های اجتماعی می پرداختند و باز در کنار آن فرزندان را به آغوش گرفته و آنان را پرورش می دهند و سعی بر آن داشتند تا کانون زندگی را گرم بنمایند. هدف اصلی از ساخت نمادین و سمبلیک این پیکرک ها، بطور کلی اهدای آنان به معبد و جنبه نذری داشته است و نشان از اهمیت بالای عنصری به نام زن در جوامع باستان را نمایان می سازد. با توجه به مباحثی که بیان شد، به تمامی پرسش ها پاسخ داده شد و درستی فرضیات نیز مورد تایید قرار گرفت و بطور کلی این نتیجه حاصل گردید که زنان در سیاست و قدرت دارای مقام و منزلت بوده و توانایی سلطنت و حکومت بر جامعه را داشته، ایشان همچنین دارای قدرت اقتصادی و حساب رسی نیز بوده اند، حتی در مقام پرستش نیز جایگاه اول را داشتند. همه اینها نشان می دهد بر خلاف بسیاری از تفکرات که زن را موجودی منزوی می داند و تنها در خانه و پرورش فرزندان می پرداخته، در جامعه حضوری محکم

و مستمر و دارای مقامی بسیار بالا و ارزشمند در ساختار سیاسی و اجتماعی حکومت، دارا بوده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- پرادا، ایدات. هنر ایران باستان، ترجمه یوسف مجید زاده. (۱۳۵۷). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بروسیوس، ماریا. زنان در ایران باستان، ترجمه محمود طلوعی. (۱۳۸۹). انتشارات تهران، تهران.
- چایلند، گوردن. سیر تاریخ، ترجمه احمد بهمنش. (۱۳۴۶). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دورانت، ویل. تاریخ تمدن (مشرق زمین گهواره تمدن)، ترجمه احمد آرام. (۱۳۵۴). تهران: بنگاه ترجمه و نشر.
- فرشی، پریچهر. (۱۳۸۴). بررسی و مطالعه پیکرک های زنان در فلات ایران مرکزی ایران در عهد نوسنگی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- فیروزمندی شیره جینی، بهمن. (۱۳۷۸). باستان شناسی و هنر آسیای صغیر، تهران: انتشارات سمت.
- صراف، محمد رحیم. (۱۳۸۴). مذهب قوم ایلام، تهران: انتشارات سمت.
- طاهری، مهناز. (۱۳۷۳). پوشاک زنان در دوره ایلامی و هخامنشی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- کخ، هاید ماری. از زبان داریوش، مترجم پرویز رجبی. (۱۳۸۵). تهران: انتشارات کارنگ.
- گیرشمن، رومن. ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین. (۱۳۴۹). تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی کتیبه.
- مجید زاده، یوسف. (۱۳۷۰). تاریخ و تمدن ایلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مجیدزاده، یوسف. (۱۳۷۸). نخستین و دومین فصل حفريات باستان شناسی در محوطه ازبکی: ساوجبلاغ ۱۳۷۷_۱۳۷۸، سلسله گزارش های مقدماتی، شماره ۱، انتشارات میراث فرهنگی.
- هینس، والتر. دنیای گمشده عیلام، ترجمه فیروز فیروزنیا. (۱۳۷۱). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- Broman. V. (1990). "Figures and other Clay Objects from Sarab and Cayonu", Oriental institute Communications, No 25, the Oriental institute of the University of Chicago, Chicago.
- Delougaz. P, Kantor. H.J. (1996). "Choga Mish, The First Five Season of Excavation , 1969 1971, Part 2: Plates", The Oriental Institute of the University of the Chicago, Chicago.
- Dollfuse. G. (1971). "Les Fouilles a Djaffarabad de 1969 _ 1971, D.A.F.I, No 1.
- Eliade. M. (1986). "The Encyclopedia of Religion", Vol 1.6.11, New York.
- Hole. F. (1977). "The Excavation of Choga Sefid, Studies in the Archaeology History of the Dehluran Plain", Memories of the Museum of Anthropology University of Michigan Number 9.
- Langsdorff. A, E.Mccown. D. (1932). "Tall _ I _ Bakun A , University Of Chicago, Chicago,